

راهبردهای دفاع اقتصادی از منظر قصص پیامبران الهی

(بررسی موردی: قصص پیامبر اکرم (ص)، حضرت یوسف (ع) و حضرت شعیب (ع))

سید احسان خاندوزی^۱
سعید سید حسین زاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۲/۲۱

فصلنامه آفاق امنیت/ سال هشتم / شماره بیست و نهم - زمستان ۱۳۹۴

چکیده

دفاع اقتصادی یکی از نیازهای اصلی جامعه اسلامی است که قرآن کریم، به عنوان معجزه جاودانه دین اسلام، در پاسخگویی به این نیاز، بی‌اعتنا نیست. پیامبران الهی در طول دوران رسالت خویش، با انواع تهدیدهای اقتصادی از داخل و خارج جامعه مواجه بودند و در قرآن کریم به قصص برخی از ایشان اشاره شده است. در این مقاله با بهره‌گیری از روش تدبر داستان‌محور در قرآن کریم، به سیره پیامبر اکرم (ص) در مقابله با تهدید نظامی- اقتصادی احزاب، سیره حضرت یوسف (ع) در مدیریت بحران اقتصادی خشک‌سالی در مصر و نیز سیره حضرت شعیب (ع) در مقابله با فساد اقتصادی کم‌فروشی و آسیب‌پذیری اقتصادی قوم خویش، به عنوان مصادیقی از راهبردهای دفاع اقتصادی در قرآن کریم، پرداخته شده است.

در نهایت با بررسی قصص پیامبران الهی در قرآن کریم، دفاع اقتصادی را می‌توان به سه نوع تقسیم‌بندی کرد: دفاع اقتصادی در برابر تهدیدهای داخلی، دفاع اقتصادی در برابر تهدیدهای خارجی (از بیرون مرزها) و دفاع اقتصادی در برابر تهدیدهای طبیعی. بر همین اساس به سه نوع راهبرد سلبی (کنترل و بازدارنده)، ایجابی (سازمان‌دهنده) و راهبرد فرهنگ‌سازی اقتصادی، به عنوان راهبردهای دفاع اقتصادی در قصص پیامبران الهی اشاره می‌شود. در پایان با توجه به مؤلفه‌های مذکور می‌توان به برخی سیاست‌های دفاع اقتصادی پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد.

واژگان کلیدی

دفاع اقتصادی، تهدید اقتصادی، بحران اقتصادی، فساد اقتصادی، قصص قرآن

۱. استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

دفاع در برابر تهدید، برای ایجاد امنیت، از نیازهای اساسی و اولیه بشری و لازمه طبیعی حیات هر موجودی است. از جمله دفاع‌های غیرنظامی که جامعه اسلامی به نوعی با آن درگیر بوده، دفاع اقتصادی است. اقتصاد و معیشت در ابعاد گوناگون زندگی، نقشی تعیین‌کننده داشته و دارد. خداوند متعال نیز با توجه به جایگاه ویژه اقتصاد و معیشت در زندگی انسان، توجه خاصی به این امر کرده، تا جایی که آیات فراوانی از قرآن مجید را به مسائل اقتصادی و معیشتی انسان‌ها اختصاص داده و مال را مایه قوام جامعه اسلامی معرفی کرده است (نساء/۵). جامعه اسلامی در هر زمان از جمله زمان حاضر برای رسیدن به رشد و پیشرفت اقتصادی، از داخل و خارج با تهدیدهایی روبه‌روست که باید درصدد رفع موانع و به عبارت دیگر دفاع در برابر تهدیدهای موجود برآید.

از سوی دیگر از منظر کلامی، دین اسلام که آیین جاودان، برنامه زندگی، راه هدایت و نقشه راه کلی بشر برای اداره زندگی است، نمی‌تواند به یکی از نیازهای مهم زندگی انسان و جامعه اسلامی که همان مقابله با معارضه‌ها و تهدیدهایی است که موجودیت نظام اسلامی را هدف قرار می‌دهد، بی‌اعتنا باشد. راز جاودانه بودن دین اسلام، معجزه جاودان آن، قرآن کریم، است و قرآن کریم قابلیت پاسخگویی عینی به نیازهای روحی و مادی انسان را دارد. تهدید اقتصادی نیز پدیده نوظهوری نیست و پیامبران الهی در طول تاریخ با انواع مختلفی از تهدیدهای داخلی و خارجی از سنخ اقتصادی مواجه بوده‌اند که در قرآن کریم به برخی از آنها اشاره شده است.

پیامبران الهی که به قصص آنها در قرآن کریم اشاره شده است، با استناد به الهام و وحی الهی با تهدیدهای اقتصادی مختلف مقابله کرده‌اند. با بررسی قرآن کریم مشخص می‌شود که از میان قصص پیامبران الهی، تهدید و بحران اقتصادی در داستان سه پیامبر الهی نمود بیشتری داشته است که عبارت‌اند از: سیره پیامبر اکرم (ص) برای مقابله با تهدید نظامی - اقتصادی احزاب، سیره حضرت یوسف (ع) در تسهیل مدیریت بحران اقتصادی خشکسالی و نیز سیره حضرت شعیب (ع) در مقابله با آسیب‌پذیری اقتصادی و فساد اقتصادی قوم خویش و جلوگیری از بحران اقتصادی ناشی از آن.

بررسی قصص پیامبران الهی در قرآن کریم بدان علت حائز اهمیت است که قصه و داستان در تربیت انسان سهم بسزایی دارد؛ زیرا داستان، تجسم عینی زندگی یک امت و تجربه عملی یک ملت است. تاریخ آزمایشگاه مسائل گوناگون زندگی بشر است و آنچه



را که انسان در ذهن خود با دلایل عقلی ترسیم می‌کند، در صفحات تاریخ به صورت عینی باز می‌یابد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۳۰۷-۳۰۴). همچنین بررسی سیره و سبک رفتاری پیامبران در قصص قرآنی، تجسم عینی تعالیم ادیان توحیدی است و می‌توان با بررسی این سبک رفتاری، الگویی برای رفع نیازهای کنونی جامعه اسلامی ارائه کرد.

تبیین مسئله، پیشینه و پرسش‌های تحقیق^۱

اصطلاح «دفاع اقتصادی» ترکیبی از دو مفهوم و متعلق به دو نظام علمی مجزا یعنی علوم دفاعی و علوم اقتصادی است. از این رو قبل از پرداختن به این اصطلاح، باید مؤلفه‌های معنایی دو مفهوم بنیادین آن یعنی «دفاع» و «اقتصاد» را شناسایی کرد. تغییری که در این اصطلاح رخ داده، همسان با موارد مشابه آن در علوم انسانی، ناظر به ارتباطات میان‌رشته‌ای بین این دو علم یعنی علوم دفاعی و علوم اقتصادی است که به نوعی مولود ادبیات مدرن امروز است.

دفاع از ریشه دفع و یکی از مصادر باب مفاعله در زبان عربی است. دهخدا در معانی‌ای که از مفهوم دفاع ارائه می‌دهد به نوعی ظرافت معنایی پیش‌گفته را که در خود واژه مندرج است، بیان می‌دارد. دهخدا معانی مرتبط ذیل این مدخل را به دو صورت اصلی و به شرح زیر آورده است: «دور کردن از کسی، دور کردن، دفع کردن از کسی، همدیگر را راندن، مزاحم کسی شدن، یآوری کردن و حمایت کردن کسی را از دفع شر، از دستبرد دشمن (انسان و حیوان) حفظ کردن، بازداشتن، پس زدن».^۲

وی در توضیح دوم با استناد به فرهنگ علوم نقلی (به نقل از شرح لمعه، ج ۲: ۳۲۵) می‌افزاید: «دفاع در اصطلاح فقهی، در مقابل جهاد است و آن موقعی است که دشمنان بر مردم مسلمان هجوم آورند و حمله کنند و آن بر همه افراد واجب است. دفاع از حقوق اولیه هر فردی است جهت حفظ جان و مال و عرض و ناموس خود.»

با توجه به مفاهیم پیش‌گفته می‌توان ادعا کرد که دفاع غیرعامل نخستین بار که در نظام زبانی شکل گرفته، در فضای نظامی و به صورت حداکثری متأثر بوده و در تقابل با اصطلاح دفاع عامل تولید شده است. اما امروزه با تعاریفی از دفاع غیرعامل مواجه هستیم که به نوعی می‌توان «توسعه معنایی» را در آنها مشاهده کرد. بنابراین اصطلاح

۱. در این قسمت در تبیین مفهوم دفاع اقتصادی، از طرح پژوهشی «اصول و مبانی دفاع اقتصادی از منظر قرآن کریم» نوشته مرتضی سلمان نژاد، دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد، با اندکی تصرف و تلخیص استفاده شده است.

پدافند یا دفاع اقتصادی، به نوعی توسعه معنایی مفهوم دفاع محسوب می‌شود. پدافند اقتصادی از منظر سند پدافند اقتصادی کشور، این‌گونه تعریف شده است: پدافند اقتصادی به مجموعه اقدامات غیرنظامی که موجب افزایش توانایی آشکارسازی، ارتقای سطح مصونیت و بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم تأمین با کیفیت و پایداری نیازهای اساسی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدهای اقتصادی دشمن می‌شود، تعریف شده است (سند راهبردی پدافند اقتصادی کشور، ۱۳۹۲-۱۳۹۶: ۱۵). بنابراین در پژوهش پیش رو، با توجه به مؤلفه‌های پدافند اقتصادی، به سه مورد از مصادیق پدافند اقتصادی در مقابله با تهدید اقتصادی دشمن در جنگ احزاب، کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی در مقابله با فساد اقتصادی قوم حضرت شعیب(ع) و مدیریت بحران اقتصادی توسط حضرت یوسف(ع) پرداخته خواهد شد و بر این اساس، راهبردهای دفاع اقتصادی از منظر قصص پیامبران الهی در قرآن کریم استخراج می‌شود. سؤال‌های اصلی و فرعی پژوهش شامل موارد زیر است:

- مصادیق دفاع اقتصادی بر اساس قصص پیامبران الهی در قرآن کریم چیست؟
- راهبردهای دفاع اقتصادی در قصص پیامبران الهی در قرآن کریم کدام‌اند؟
- در نهایت سیاست‌های دفاعی پیشنهادی برای مقابله با تهدیدهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس قصص پیامبران الهی چیست؟

لطیفی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با هدف معرفی و تبیین روش‌های پژوهش قرآنی در مدیریت اسلامی، ضمن بررسی اجمالی مفاهیم تدبیر و تفسیر قرآن و روش‌ها و گرایش‌های عمده تفسیری در علوم قرآنی، راهبردهای پژوهش تدبیر در قرآن را به نحو استقرایی از پژوهش‌ها در این زمینه در دهه گذشته، شامل راهبرد آیه‌محور، راهبرد سیاق‌محور، راهبرد سوره‌محور، راهبرد داستان‌محور و راهبرد مسئله‌محور می‌داند و در این راستا به پژوهش‌هایی که در زمینه راهبرد داستان‌محور صورت گرفته است اشاره می‌کند و نقاط ضعف و قوت آن را برمی‌شمرد.

دیباچی (۱۳۸۷) در کتاب خود میان الگوهای حکومت‌داری پیامبران در قصص قرآن نقاط اشتراک و تمایز قابل استفاده‌ای را از ابعاد تدبیر امور عمومی و سیاست‌گذاری استخراج کرده است.

نقی پورفر (۱۳۷۱) در اثر خود با بهره‌گیری از راهبرد قصص‌محور، به بررسی اصول و الگوهای مدیریتی قصص قرآنی، از جمله داستان‌های ابراهیم و ذبح اسماعیل، ابراهیم و آتش‌نمرود، یونس و خروج بدون اذن الهی، لوط و فرمان خروج، موسی و فرمان خروج و نظایر آن پرداخته است.



محمدی سیرت (۱۳۹۱) بعد از بررسی چارچوب مفهومی بحران در قرآن کریم و رابطه آن با جنگ، جهاد، رعب و ... به قصص پیامبران الهی اولوالعزم، حضرت نوح (ع)، حضرت موسی (ع) و نبی اکرم (ص)، اشاره کرده است و بعد از تحلیل بحران‌هایی که پیامبران الهی با آنها مواجه شدند، به اصول مدیریت بحران توسط آنها در سه مرحله قبل، حین و بعد از بحران اشاره کرده است.

روش تحقیق^۱

موضوع تحقیق حاضر، پیچیدگی و دشواری تحلیل مخصوص خود را دارد. دلیل اصلی این دشواری، جدید بودن مفهوم «دفاع اقتصادی» به یک معناست که در موقعیت سیاسی- اقتصادی عصر حاضر و در کشاکش با تهدیدهای کشورهای غربی علیه جمهوری اسلامی ایران، مطرح شده است و چه بسا نتوان سابقه تاریخی از این مفهوم را در دوره‌های مختلف پی‌جویی کرد. در آیات قرآن کریم نیز مفهومی به نام دفاع اقتصادی را همسان با مفاهیمی مانند نماز، زکات و ... نمی‌توان یافت؛ بنابراین روش متداول در موارد مشابه که محقق موضوعی را در قرآن کریم دنبال می‌کند، در این تحقیق به یک معنا امکان‌پذیر نیست، زیرا معادل واژگانی برای دفاع اقتصادی را چه بسا به راحتی نتوان در قرآن کریم جست‌وجو کرد که از رهاورد آن از ظرفیت‌های تفسیری مفسران استفاده حداکثری را برد. این اصطلاح در بافت همین دوره تاریخی قابل درک است و کوشش برای یافتن مستقیم آن در متون عصر کلاسیک، نتیجه‌ای جز بی‌معنایی، خطا یا در بهترین حالت «تقلیل»^۲ نخواهد داشت. آنچه از سختی روش در این کار از آن صحبت شد، ما را ملزم به پی‌جویی و کاربست رویکرد و روشی می‌نماید که ما را از تحمیل دیدگاه شخصی بر قرآن کریم دور کند و به نوعی زمینه لازم را برای ادراک صحیح و در عین حال جامع از مبانی و اصول دفاع اقتصادی در قرآن کریم برساند. به عبارت دیگر در پی‌جویی از امری مانند دفاع اقتصادی در قرآن کریم، می‌توان راهی ساده را پیش گرفت؛ مفهوم «دفاع» را امری کلی در نظر گرفت که دفاع اقتصادی از شقوق آن است و سپس به دنبال مشتقات ریشه سه حرفی «دفع» و واژه‌های مرتبط با آن چون «جهاد» در قرآن کریم بود. در این روند می‌توان آیات و حتی احادیثی را بزرگنمایی کرد که در آنها مفهوم جهاد و دفاع به نوعی در ارتباط با سیاست‌های دفاعی قرار گرفته است. این راهی است که می‌توان آن را مسیر «اتصال

۱. در این قسمت از روش‌شناسی دکتر احمد پاکتچی، برگرفته از طرح پژوهشی «اصول و مبانی دفاع اقتصادی از منظر قرآن کریم» نوشته مرتضی سلمان نژاد، دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد، با تصرف و تلخیص، استفاده شده است.

مبتنی بر سنت^۱ نام نهاد؛ از آن رو که در آن ارتباط میان واژه «دفاع» در مفهوم امروزی «دفاع اقتصادی» با واژه‌های دفاع و جهاد در قرآن کریم، به اعتبار اتصالی که در سنت زبانی میان این دو واژه برقرار است، نسبت این‌همانی انگاشته شده است. اما از آنجا که دفاع اقتصادی در اصطلاح روز، معادلی عصری داشته، این انگاشت با تردیدهایی جدی روبه‌روست و نیازمند بازکاوی است.

دقیق‌تر آن است که نخست بررسی کنیم دفاع اقتصادی در مفهوم عصری خود ناظر به چه امری است و سپس آن امر را در قرآن کریم پی‌جویی کنیم. اگر آن امر در کلیت خود هم در آیات قرآن کریم قابل جستن باشد، امکان جستن مؤلفه‌های آن و ترکیب مؤلفه‌ها برای رسیدن به ارتباطی میان مفهوم امروزی و مفاهیم سنتی وجود خواهد داشت. به منظور پیمودن این مسیر، نخست مفهوم «دفاع اقتصادی» و اساسی و مؤلفه‌های مختلف از آن استخراج می‌شود و سپس جایگاه این مؤلفه‌ها در قرآن کریم مورد پژوهش قرار می‌گیرد.

بر این اساس، پس از مشخص شدن مؤلفه‌های دفاع اقتصادی که در بخش تبیین مسئله به آنها اشاره شد، با استفاده از روش‌شناسی تدبر داستان‌محور در قرآن کریم، به پی‌جویی مؤلفه‌های دفاع اقتصادی پرداخته شده است. در این روش به جای تأکید بر کلیدواژه‌ها و سیاق‌های آیات یا تمرکز بر سوره خاص، به داستان‌های قرآنی و نکات مستتر در آن توجه شده است. فرایند تدبر داستان‌محور به صورت زیر است:

انتخاب موضوع پژوهش

- انتخاب داستان نزدیک به موضوع پژوهش از طریق مطالعه، مصاحبه و تفکر؛
- شناخت و انتخاب سوره‌ها و آیات مرتبط با داستان مربوط در قرآن کریم؛
- تدبر در آیات و استخراج نکات تدبری ذیل آنها؛
- دسته‌بندی نکات تدبری به صورت تعاقب زمانی یا موضوعی و تدوین نهایی (لطیفی، ۱۳۹۰: ۴۱-۴۲).

در این پژوهش پس از گذراندن مراحل فوق، راهبردهای دفاع اقتصادی از منظر قصص پیامبران الهی استخراج شده است که به سه مورد از مصادیق آن اشاره خواهد شد.

دفاع اقتصادی در مقابله با محاصره نظامی- اقتصادی احزاب

محاصره نظامی- اقتصادی احزاب، سال پنجم هجرت با هم‌پیمانی دشمنان حکومت اسلامی مدینه (از جمله مشرکان قریش و برخی قبایل) و به سردمداری یهودیان بنی



قریظه صورت گرفت تا پیامبر اکرم (ص) و حکومت اسلامی را نابود کنند (واقدهی، ۱۳۶۹: ۳۷۰؛ بحارالانوار، ۱۳۶۳، ج ۲۰: ۲۴۴). در این میان کارشکنی و پیمان شکنی یهودیان و منافقان داخلی و تزلزل مؤمنان ضعیف‌الایمان، عرصه را بر مسلمانان و حکومت اسلامی سخت و دشوار کرده بود و تهدیدهای مختلف از جمله تهدید نظامی، روانی و اقتصادی، توأمان در این جنگ ایجاد شده بود و پیامبر اکرم (ص) در مقابله با این تهدیدها راهبردهای متناسب را اتخاذ کردند.

در عرصه تهدید نظامی، با توجه به ایده دفاعی حفر خندق توسط پیامبر اکرم (ص)، درگیری نظامی چندانی میان دو طرف صورت نگرفت و جنگ تلفات معتناهایی نداشت و درگیری به پرتاب چوب و سنگ از سوی دو طرف محدود شده بود (قمی، ۱۳۷۹: ۱۸۱)؛ اما در عرصه تهدید روانی، جنگ روانی منافقان داخل مدینه و ایجاد شایعه، تردید و ترس در دل مؤمنان نسبت به وعده‌های پیروزی پیامبر اکرم (ص) و نیز پیمان شکنی یهودیان بنی‌نضیر که داخل مدینه بودند، فضای ترس، وحشت و بحران را بر مدینه حاکم کرده بود (بقره/۲۱۴؛ احزاب/۱۰ و ۱۲؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳۰۸؛ العالمی، ۱۳۸۴: ۱۵۴-۱۵۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۲۱۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۲۸).

در عرصه تهدید اقتصادی، چهار عامل باعث شدند تا شهر مدینه در آستانه جنگ احزاب و نیز در طول آن با کمبود خواروبار و غذا مواجه شود. شواهدی از گرسنگی و قحطی در طول جنگ احزاب، نشان‌دهنده بروز این پدیده است (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱۷۱-۱۷۲؛ مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۶: ۲۲۵؛ قمی، ۱۳۷۹: ۶۷؛ مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۵۰؛ مجلسی، ۱۳۹۰: ۵۰-۵۲؛ واقدهی، ۱۳۶۹: ۳۵۷-۳۵۹ و ۳۶۹-۳۷۰). این عوامل عبارت‌اند از: تضعیف بنیه اقتصادی مدینه به علت وقوع جنگ‌های مکرر و اشتغال مسلمانان به جنگ‌های مختلف و بازماندن آنها از فعالیت‌های اقتصادی نظیر کشاورزی و بازرگانی، عوامل طبیعی (وجود خشک‌سالی و کمبود بارندگی در مدینه در آستانه جنگ احزاب)، عامل خارجی (محاصره اقتصادی مدینه توسط لشکر احزاب) و سختی و شدت کار و فعالیت در طول جنگ و کمبود خواروبار و مواد غذایی و پشتیبانی مورد نیاز (مرتضی العالمی، ۱۳۸۴: ۵۱۴-۵۱۶ و ۵۶۱؛ واقدهی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۴۵۴؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۰۱؛ ابن هشام، ۱۳۷۵: ۲۳۰-۲۳۱؛ واقدهی، ۱۳۶۹: ۳۵۰-۳۵۱).

پیامبر اکرم (ص) در مقابله با تهدیدهای فوق، راهبردهایی اتخاذ کردند که با توجه به محدودیت تهدید نظامی در این جنگ، می‌توان گفت بیشتر راهبردهای پیامبر اکرم (ص) در مقابله با تهدید اقتصادی و همچنین تهدید روانی بوده است. این راهبردها از خلال بررسی آیات قرآن کریم و نیز کتب سیره استخراج شده که در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- مفاهیم سیره پیامبر اکرم(ص) در مقابله با محاصره اقتصادی- نظامی احزاب

مفهوم برداشت شده	منابع (تاریخی، تفسیری، قرآنی و روایی)
پیش‌بینی تهدیدها و پیشگیری از آن	واقدی، ۱۳۶۹: ۳۳۳-۳۳۴؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۳۴؛ مرتضی‌العاملی، ۱۳۸۴: ۵۵۹-۵۶۰
مشورت و تصمیم‌گیری جمعی	واقدی، ۱۳۶۹: ۳۳۳؛ ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۵۳-۱۵۴؛ مرتضی‌العاملی، ۱۳۸۴: ۵۵۱
ابتکار و نوآوری در تصمیم‌گیری	واقدی، ۱۳۶۹: ۳۳۳؛ ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۵۳-۱۵۴؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۱۰
ارتقای انگیزه و روحیه کار و تلاش و جهاد در راه خدا	ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۵۳-۱۵۴؛ دلایل النبوه، بیهقی، ج ۳: ۳۹۹؛ واقدی، ۱۳۶۹: ۳۳۹، ۳۳۳، ۳۳۴؛ دلایل النبوه، بیهقی، ج ۳: ۳۹۹؛ واقدی، ۱۳۶۹: ۳۳۶، ۳۳۷-۳۳۷؛ علامه مجلسی، ۱۳۹۰: ۶۲-۶۳
انذار و تبشیر	واقدی، ۱۳۶۹: ۳۳۹، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۶ و ۳۳۷؛ واقدی، ج ۲: ۴۴۷؛ بیهقی، ج ۳: ۳۹۹؛ مرتضی‌العاملی، ۱۳۸۴، ج ۴: ۹۰-۹۲؛ ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۵۷-۱۵۸؛ سوره احزاب: ۱۹ و ۲۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۲۷ و ۴۳۴؛ بقره/ ۱۴؛ علامه مجلسی، ۱۳۹۰: ۶۲-۶۳؛ احزاب/ ۱۰ و ۱۱
تقسیم کار	واقدی، ۱۳۶۹: ۳۳۴-۳۳۳؛ ابن سعد، ۱۳۷۴: ۶۴؛ مرتضی‌العاملی، ۱۳۸۴: ۵۵۶-۵۵۷ و ۸۴-۸۶
استفاده از ابزارهای دیگران	(واقدی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۴۴۵ و ۳۳۳؛ امتاع الاسماع، ج ۱: ۲۲۰)
ممانعت از عوامل تفرقه‌افکن و حفظ انسجام داخلی	مرتضی‌العاملی، ۱۳۸۴: ۵۶۹-۵۷۰؛ واقدی، ۱۳۶۹: ۳۴۶-۴۴۷؛ بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۳: ۳۹۹
دعا و طلب یاری از خداوند	طبرسی، ۱۳۹۰: ۱۳۴-۱۳۵؛ ابن سعد، ۱۳۷۴: ۷۲
استفاده از ابزار تبلیغاتی و تفرقه‌افکنی میان دشمنان	ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱۶۹-۱۷۰؛ وسائل الشیعۀ، ۱۰۲/۱۱؛ در پاورقی از: تهذیب الاحکام، ۵۳/۲؛ مرتضی‌العاملی، ۱۳۸۴: ۶۷۸؛ کنانی، ۱۳۸۴: ۱۷۵-۱۷۶؛ ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴
استفاده از ابزار اقتصادی برای تطمیع دشمن و شکستن اتحاد آنها	واقدی، ۱۳۶۹: ۳۵۹-۳۶۰
رصد و مراقبت از نقاط آسیب‌پذیر داخلی	واقدی، ۱۳۶۹: ۴۶۰ و ۳۴۸-۳۴۹
کاهش توان دشمن برای تداوم تهدید	مرتضی‌العاملی، ۱۳۸۴: ۵۵۹-۵۶۰؛ مغازی، ۱۳۶۹: ۳۳۳
تأکید بر لزوم پیروی از فرمان‌های رهبری در مقابله با تهدید	احزاب/ ۲۱؛ محمدی سیرت، ۱۳۹۱: ۱۷۱-۱۷۳

منبع: یافته‌های مؤلف



حال به توضیح مختصری از راهبردهای پیامبر اکرم (ص) در جنگ احزاب می پردازیم:

۱. پیش‌بینی تهدید و پیشگیری از آن

رسول اکرم (ص) با ارسال مأموران و مخبران مسلمان به نقاط مختلف از هرگونه خطر احتمالی آگاه می‌شد. خبر جنگ احزاب نیز از قبل پیش‌بینی و وعده داده شده بود و برای مسلمانان غیرمنتظره نبود (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۱۰؛ واقدی، ۱۳۶۹: ۳۳۳-۳۳۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۳۴).

۲. مشورت و تصمیم‌گیری جمعی

پیامبر اکرم (ص) پس از آگاه شدن از خبر حرکت دشمن در جنگ احزاب، در مورد شیوه جنگ با مسلمانان مشورت کردند و بنا به قول واقدی، پیشنهاد سلمان مبنی بر ماندن در مدینه و کندن خندق برای مقابله با دشمن را پذیرفتند (واقدی، ۱۳۶۹: ۳۳۳).

۳. ابتکار و نوآوری در تصمیم‌گیری

هنگامی که مشرکان به مدینه رسیدند، با مشاهده خندق بسیار شگفت‌زده شدند، زیرا عرب کار حفر خندق را نمی‌شناخت. مسلمانان با این نوآوری و ابتکار توانستند دشمن را غافلگیر کنند (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱۵۳-۱۵۴؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۱۰).

۴. ارتقای انگیزه و روحیه کار و تلاش و جهاد در راه خدا

وقتی مسلمانان شتابان شروع به کندن خندق کردند، خود پیامبر (ص) نیز برای ترغیب مسلمانان، همراه ایشان به سختی و با جدیت در خندق کار می‌کردند. این کار پیامبر اکرم (ص) باعث شد که اصحاب به صورت خودجوش، شعری را بسرایند که «اگر ما بنشینیم در حالی که رسول خدا (ص) کار می‌کند، کار ما بسی گمراهانه خواهد بود». همچنین پیامبر با سرودن شعارهای حماسی که یاران ایشان تکرار می‌کردند، انگیزه یاران خود را بالا می‌برد (واقدی، ۱۳۶۹: ۳۳۹ و ۳۳۳).

۵. انذار و تبشیر

خداوند مسلمانان و مؤمنانی را که در فشارها و سختی‌ها، جبهه جنگ را رها نکردند و از دین و رسول خدا (ص) حمایت کردند، به پاداش‌های بهشتی تشویق می‌کند و با این

بشارت، انگیزه مقابله آنها را با تهدیدهای دشمن افزایش می‌دهد (احزاب/۲۴). از سوی دیگر خداوند منافقان را که در طول جنگ قصد فتنه داشتند و در سپاه اسلام تزلزل ایجاد کردند، به عذاب و عقاب انداز می‌دهد (احزاب/ ۱۹ و ۲۴).

۶. تقسیم‌کار

پیامبر اکرم(ص) حفر هر قسمت از خندق را به گروهی واگذار کردند که این کار علاوه بر ایجاد حس مسئولیت، همکاری، تعاون و رقابت، از ایجاد حس دهشت، ترس و واهمه میان مسلمانان، از انجام این کار عظیم، جلوگیری کرد (واقعی، ۱۳۶۹: ۳۳۴؛ ابن سعد، ۱۳۷۴: ۶۴؛ مرتضی‌العاملی، ۱۳۸۴: ۸۴-۸۶).

۷. استفاده از ابزارهای دیگران

پیامبر(ص) برای حفر خندق مقدار زیادی ابزار (حفاری) مانند بیل، تیشه و زنبیل از یهودیان بنی قریظه عاریه گرفتند. این کار - یعنی دادن ابزارهای حفاری - گوشه‌ای از تعهداتی بود که یهودیان در قبال مسلمانان پذیرفته بودند (واقعی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۴۴۵؛ امتاع الاسماع، ج ۱: ۲۲۰).

۸. استفاده از ابزار تبلیغاتی و تفرقه‌افکنی میان دشمنان

پیامبر اکرم(ص)، نعیم بن مسعود را که از رؤسای قبیله غطفان و جزء لشکر قریش بود و تازه مسلمان شده بود و قومش از این امر اطلاعی نداشتند، مأمور کردند تا میان لشکر دشمن اختلاف بیندازد. نعیم بن مسعود نزد بنی قریظه که سابقه رفاقتی با آنها داشت، رفت و سپس نزد قریش رفت و با سخنانی میان آنها اختلاف و جدایی افکند و از خیانت‌های آنها نسبت به یکدیگر سخن گفت و از آنجا که خدا می‌خواست، تدبیر نعیم بن مسعود در تفرقه دشمن بی‌اندازه مؤثر واقع شد (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱۶۹-۱۷۰).

۹. استفاده از ابزار اقتصادی برای تطمیع دشمن و شکستن اتحاد آنها

در محاصره احزاب که مسلمانان چند روز در محاصره بودند، پیامبر(ص) کسی را سراغ عیینة بن حصن و حارث بن عوف فرستادند و پیغام دادند: آیا موافقید یک‌سوم محصول خرماي مدینه را برای شما قرار دهم و در عوض شما و همراهانتان برگردید و اعراب را هم از ادامه جنگ با ما منصرف سازید؟ آنها گفتند: خیر، مگر آنکه نیمی از



خرمای مدینه را به ما بدهید. پیامبر(ص) موافقت نفرمود که بیش از یک سوم به آنها بدهد. آنها به همان مقدار راضی شدند، اما در نهایت مسلمانان حاضر به این کار نشدند (واقعی، ۱۳۶۹: ۳۵۹-۳۶۰).

۱۱. رصد و مراقبت از نقاط آسیب پذیر داخلی

گویند حین جنگ احزاب، پیامبر(ص) مرتباً از شکافی که در خندق ایجاد شده بود، رفت و آمد می کردند که از آن حراست کنند و مرتباً می فرمود: می ترسم دشمن از این شکاف نفوذ کند (واقعی، ۱۳۶۹: ۳۴۸-۳۴۹).

۱۲. کاهش توان دشمن برای تداوم تهدید

سپاه احزاب هنگامی به مدینه رسیدند که هیچ گونه زراعتی باقی نمانده بود و مردم یک ماه قبل از آن، کشت خود را درو و محصول و کاه خود را جمع آوری کرده بودند و هنگام ورود ایشان، مدینه نیز بر اثر نباریدن باران، خشک بود. از سوی دیگر علف موجود روی زمین، تکافوی ایشان را نمی داد؛ چنان که شتران آنها از شدت لاغری مشرف به مرگ بودند و بدین وسیله پس از چندی از توان دشمن برای ادامه محاصره کاسته شد (مغازی، ۱۳۶۹: ۳۳۳).

۱۳. تأکید بر لزوم پیروی از فرمان های رهبری در مقابله با تهدید

قرآن کریم در سوره مبارکه احزاب ابتدا حالات مختلف اهل مدینه - اعم از منافقین، مؤمنین و مسلمانان ضعیف الایمان - را که در محاصره منافقین و یهودیان بودند، توصیف می کند و سپس رسول اکرم(ص) را به عنوان اسوه و رهبری حسنه در طول این کارزار و نیز در طول زندگی مسلمانان معرفی می کند (احزاب/ ۲۱).

تسهیل و مدیریت بحران اقتصادی توسط حضرت یوسف (ع)

قرآن کریم داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن را «احسن القصص، عبرتی برای صاحبان خرد و آیاتی برای سائلان» نامیده است (یوسف/ ۳ و ۱۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۳۰۲؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۴۸). این داستان برای اولی الالباب و خردمندان تا روز قیامت از جهات مختلفی از قبیل تربیتی- اخلاقی، سیاسی- اقتصادی و مسئله شهود و ارتباط با جهان غیب می تواند عبرت باشد. برای مثال اگر کسی بخواهد مسائل



سیاسی یا اجتماعی را بررسی کند که چگونه یک کشور قحطی زده و خشکسالی دیده را یک انسان وارسته در حال بحران اداره می‌کند و چگونه حضرت یوسف توانست این کشور وسیع، با آرای سیاسی مختلف را اداره کند و توانست هفت سال خشکسالی را به گونه‌ای مدیریت کند که مسئله تأمین آذوقه کشور و فلات وسیع را حل کند، خود مسئله است و اگر این موارد برای او مسئله شد، آن وقت جریان حضرت یوسف را که خوب بررسی کند، می‌بیند که فرمود: «به درستی که در داستان یوسف و برادرانش نشانه‌هایی برای سؤال کنندگان است» (یوسف/ ۳؛ تفسیر آیت‌الله جوادی آملی، تفسیر سوره یوسف، جلسه چهارم).^۱

در این قسمت ابتدا به تشریح بحران اقتصادی مصر پرداخته خواهد شد و سپس راهبردهای حضرت یوسف برای مقابله با آن و آثار و نتایج آنها بررسی می‌شود.

پادشاه مصر خوابی ظاهراً پریشان دید که هفت گاو لاغر به هفت گاو چاق حمله کردند و آنها را خوردند و نیز هفت خوشه خشکیده بر گرد هفت خوشه سبز پیچیدند و آنها را از میان بردند (یوسف/ ۴۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۲۳). پس از عجز اطرافیان پادشاه از تعبیر خواب، ساقی شاه که سال‌ها قبل از زندان آزاد شده بود، رو به سوی سلطان کرد و خبر از استادی ماهر در زندان که توانایی تعبیر خواب پادشاه را دارد، داد (یوسف/ ۴۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۲۵). ساقی به زندان آمد و ماجرای خواب پادشاه را برای حضرت یوسف تعریف کرد (یوسف/ ۴۶). حضرت یوسف (ع) نیز وقتی خبر خواب پادشاه را شنید، چون فهمید سلطان این خواب را دیده است که مسئول تأمین ارزاق یک ملت است و یک روستایی یا یک شهروند عادی نیست، خواب را تعبیر نکرد و نگفت هفت سال پر نعمت است و هفت سال خشکی است، بلکه بخشنامه داد و فرمود هفت سال این چنین بکنید و در آن هفت سال بعد هم این چنین بکنید (تفسیر آیت‌الله جوادی آملی، تفسیر سوره یوسف، جلسه ۴۲ و ۴۳).

پس از بررسی ابعاد مختلف جریان و راهبردهایی که حضرت یوسف (سلام الله علیه) پیش از بحران و حین بحران اقتصادی خشکسالی در مصر به کار بردند، جدول ۲ که حاصل برداشت‌هایی از قرآن کریم و آرای تفسیری مفسران مختلف در این زمینه است، راهبردهای مختلف حضرت یوسف (س) را در مقابله با این بحران اقتصادی نشان می‌دهد.



**جدول ۲- راهبردهای دفاع اقتصادی در سیره حضرت یوسف(ع)
مفهوم برداشت شده منابع (قرآنی و تفسیری)**

یوسف/۴۷؛ تفسیر المیزان، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۲۵۹؛ تفسیر نمونه، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۲۶-۴۲۷	فعالیت مستمر و همراه با جدیت و کوشش در امور اقتصادی(کشاورزی)
یوسف/۴۷؛ تفسیر المیزان، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۲۶۰-۲۵۹؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۱۷؛ تفسیر نمونه، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۲۶-۴۲۷	پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری برای مقابله با بحران اقتصادی
یوسف/۴۷؛ تفسیر نمونه، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۲۸؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۱۷	ذخیره‌سازی کالاهای اساسی و راهبردی برای مقابله با بحران‌های طبیعی اقتصادی
یوسف/۴۷؛ تفسیر نمونه، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۲۸	نگهداری صحیح محصولات کشاورزی برای جلوگیری از فاسد شدن آنها
یوسف/۵۴؛ تفسیر نمونه، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۰-۵؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۳۳	مشورت‌گیری مسئولان کشوری از افراد صالح و کاردان برای تدبیر امور اقتصادی
یوسف/ ۴۸ و ۴۷؛ تفسیر نمونه، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۷	صرفه‌جویی و جیره‌بندی محصولات کشاورزی برای مقابله با بحران‌های اقتصادی پیش رو
یوسف/ ۵۵؛ تفسیر نمونه، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۱۰	مدیریت در کنار امانت‌داری، دو مشخصه کارگزاران شایسته حکومتی
نمونه، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۱۱؛ یوسف/ ۴۷ و ۴۸	نظارت و کنترل بر مصرف برای مقابله با بحران اقتصادی
یوسف/۴۷ و ۴۸؛ تفسیر نمونه، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۱۱- ۱۲؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۳۴	در نظر گرفتن آینده و نسل‌های پیش رو در استفاده از منابع اقتصادی
یوسف/ ۴۷ و ۴۸؛ تفسیر نمونه، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۱۱-۱۲	تبدیل کردن تهدید بحران اقتصادی به فرصت تعدیل فاصله طبقاتی و برقراری عدالت اقتصادی در جامعه
یوسف/۴۷؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۱۷-۲۱۸	طرح‌ریزی برنامه‌های دراز و کوتاه‌مدت برای مقابله با بحران‌های اقتصادی
یوسف/۴۷؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۱۷	حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت تولیدی هنگام مناسب بودن شرایط اقتصادی
یوسف/۴۷؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۱۷	کنترل حکومت بر تولید و توزیع هنگام بروز بحران اقتصادی
یوسف/۴۸؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۲۰	امید دادن مردم به آینده برای مقابله با مشکلات اقتصادی کنونی
یوسف/ ۵۴ و ۵۵؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۲۸	اوصاف کارگزاران شایسته حکومتی: قدرت، امانت، پاسداری و تخصص
یوسف/۵۴ و ۵۵؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۲۹-۲۲۸	محبوبیت و مقبولیت علاوه بر تدبیر و کاردانی از صفات شایسته کارگزاران حکومتی

منبع: یافته‌های مؤلف

حال به صورت مختصر برخی راهبردهای حضرت یوسف (س) برای مقابله با بحران اقتصادی مصر توضیح داده می‌شود:

۱. فعالیت مستمر و همراه با جدیت و کوشش در امور اقتصادی (کشاورزی)
حضرت یوسف (ع) برای مقابله با بحران اقتصادی پیش روی مردم مصر دستورالعملی صادر کردند که هفت سال پی در پی کشت کنید و آنچه درو خواهید کرد - جز اندکی را که در این سال‌ها می‌خورید - در خوشه‌اش واگذارید تا فاسد نشود (یوسف/۴۷). مفسران آیه را این‌گونه تفسیر کرده‌اند که باید هفت سال پشت سر هم و به طور مستمر کشت و زرع کنید یا اینکه باید با جد و جهد و زحمت کشت و زرع کنید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۲۵۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۲۷).

۲. پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و تدبیر صحیح برای مقابله با بحران اقتصادی
حضرت یوسف با پیش‌بینی صحیح بحران اقتصادی خشکسالی و تدبیر صحیحی که برای مقابله با آن به کار بردند، این راهبرد را تعلیم کردند که آینده‌نگری و برنامه‌ریزی بلندمدت برای مقابله با مشکلات اقتصادی جامعه، لازمه مدیریت کشور است (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۲۸).

۳. ذخیره‌سازی کالاهای اساسی و راهبردی برای مقابله با بحران‌های طبیعی اقتصادی
حضرت یوسف (ع) برای مقابله با بحران اقتصادی خشکسالی دستور دادند که گندم که جزء کالاهای اساسی و راهبردی مردم مصر محسوب می‌شود، در انبارها ذخیره شود، مگر اندکی که آذوقه آن سال آنها برای خوردن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۲۵۹-۲۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۲۶).

۴. نگهداری صحیح محصولات کشاورزی برای جلوگیری از فاسد شدن آنها
حضرت یوسف (ع) پس از دستور به ذخیره‌سازی محصولات کشاورزی، فرمودند که آنچه را درو می‌کنید، در سنبله‌اش بگذارید و آن را نکوبید. علت این کار این بود که جانور نمی‌تواند داخل سنبله شود و در نتیجه گندم هر چه بماند خراب نمی‌شود، اما اگر آن را بکوبند و از سنبله جدا کنند، خیلی زود فاسد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۲۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۲۸).



۵. مشورت‌گیری مسئولان کشوری از افراد صالح و کاردان برای تدبیر امور اقتصادی پس از تعبیر خواب توسط حضرت یوسف، و فرمان پادشاه بر آمدن ایشان نزد وی، یوسف (ع) نزد او آمد و با وی به گفت‌وگو نشست. پادشاه وقتی سخنان پر مغز و پر مایه یوسف را که از علم و هوش و درایت فوق‌العاده‌ای حکایت می‌کرد، شنید، بیش از پیش شیفته و دلباخته او شد و گفت: تو امروز نزد ما دارای منزلت عالی و اختیارات وسیع هستی و مورد اعتماد و وثوق ما خواهی بود. به دنبال این ماجرا، قرآن گوید: «ملک دستور داد او را نزد من آورید تا او را مشاور و نماینده مخصوص خود سازم» و از علم و دانش و مدیریت او برای حل مشکلاتم کمک گیرم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۵). بنابراین از این آیه قرآن برداشت می‌شود که مسئولان یک کشور برای تدبیر امور اقتصادی، باید مشاوران صالح و کاردان داشته باشند تا بتوانند با بحران‌های اقتصادی مقابله کنند.

۶. مدیریت در کنار امانت‌داری دو مشخصه کارگزاران شایسته حکومتی پس از آنکه پادشاه مصر حضرت یوسف (ع) را مشاور و نماینده مخصوص خود کرد، یوسف می‌دانست یک علت مهم نابسامانی‌ها ظلم و ستم در مسائل اقتصادی است و با خود گفت که چه بهتر است نبض اقتصاد مصر را در دست گیرد و به یاری مستضعفان بشتابد و به وضع بی‌سر و سامان آن کشور پهناور سامان بخشد. بنابراین از عزیز مصر تقاضا کرد او را خزانه‌دار مصر کند (یوسف/ ۵۵) و این تعبیر حضرت یوسف که می‌گوید «إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» دلیل بر اهمیت مدیریت در کنار امانت است و نشان می‌دهد که پاکی و امانت به تنهایی برای پذیرش یک پست حساس اجتماعی کافی نیست، بلکه علاوه بر آن آگاهی و تخصص و مدیریت نیز لازم است، زیرا «علیم» را در کنار «حفیظ» قرار داده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۱۰).

۷. نظارت بر مصرف برای مقابله با بحران اقتصادی

در مسائل اقتصادی تنها موضوع «تولید بیشتر» مطرح نیست، گاهی «کنترل و نظارت بر مصرف» از آن هم مهم‌تر است و به همین دلیل حضرت یوسف در دوران حکومت خود سعی کرد در آن هفت سال وفور نعمت، مصرف را به شدت کنترل کند تا بتواند قسمت مهمی از تولیدات کشاورزی را برای سال‌های سختی که در پیش بود، ذخیره کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۱۱).



۸. در نظر گرفتن آینده و نسل‌های پیش رو در استفاده از منابع اقتصادی سیاست اقتصادی یوسف(ع) در مصر و فرمان ایشان مبنی بر ذخیره‌سازی گندم برای هفت سال خشکسالی آینده نشان داد که یک اقتصاد اصیل و پویا نمی‌تواند همیشه ناظر به زمان حال باشد، بلکه باید «آینده» و حتی نسل‌های بعد را نیز دربرگیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۱۱).

۹. تبدیل کردن تهدید بحران اقتصادی به فرصت تعدیل فاصله طبقاتی و برقراری عدالت اقتصادی در جامعه

حضرت یوسف(ع) از میان تمام پست‌ها انگشت روی خزانه‌داری گذاشت؛ زیرا می‌دانست هر گاه به آن سر و سامان دهد، قسمت عمده نابسامانی‌های کشور باستانی مصر سامان خواهد یافت و از طریق عدالت اقتصادی می‌تواند سازمان‌های دیگر را کنترل کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۱۰). از بعضی روایات چنین استفاده می‌شود که یوسف برای پایان دادن به استثمار طبقاتی و فاصله میان قشرهای مردم مصر، از سال‌های قحطی استفاده کرد؛ به این ترتیب که در سال‌های فراوانی نعمت، مواد غذایی از مردم خرید و در انبارهای بزرگی که برای این کار تهیه کرده بود ذخیره کرد و هنگامی که این سال‌ها پایان یافت و سال‌های قحطی پیش آمد، در سال اول مواد غذایی را به درهم و دینار فروخت و از این طریق قسمت مهمی از پول‌ها را جمع‌آوری کرد؛ سال دوم در برابر زینت‌ها و جواهرات (البته به استثنای آنها که توانایی نداشتند) و در سال سوم در برابر چهارپایان و در سال چهارم در برابر غلامان و کنیزان و در سال پنجم در برابر خانه‌ها و در سال ششم در برابر مزارع و آب‌ها و سال هفتم در برابر خود مردم مصر، سپس تمام آنها را (به صورت عادلانه‌ای) به آنها بازگرداند و گفت: هدفم این بود که آنها را از بلا و نابسامانی‌های رخسار بخشیم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۲۸۱-۲۸۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۱۱).

۱۰. طرح‌ریزی برنامه‌های دراز و کوتاه‌مدت برای مقابله با بحران‌های اقتصادی حضرت یوسف(ع) برای مقابله با بحران اقتصادی، طرح‌های درازمدت و کوتاه‌مدت ارائه کرد؛ به این صورت که برای کوتاه‌مدت برنامه اقتصادی تولید بیشتر مد نظر قرار گرفت و برای هفت سال بعد، برنامه‌ای درازمدت ارائه کرد که بر کنترل مصرف و به میزان جیره‌بندی مبتنی بود (یوسف / ۴۷ و ۴۸؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۱۷).

۱۱. حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت تولیدی هنگام مناسب بودن شرایط اقتصادی از اینکه حضرت یوسف فرمان زراعت و کشاورزی مستمر و با جدیت در طول هفت سال دادند، چنین برداشت می‌شود که مواقعی که بحرانی در پیش است، باید بر ظرفیت تولید و کار افزود تا بتوان با تدبیر با بحران روبه‌رو شد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۱۷).

۱۲. کنترل حکومت بر تولید و توزیع هنگام بروز بحران اقتصادی حضرت یوسف (ع) پس از پیش‌بینی وقوع بحران اقتصادی، تدابیری برای تولید و توزیع پیش گرفتند و حین بحران اقتصادی اندیشیدند. بنابراین می‌توان این‌گونه برداشت کرد که کنترل حکومت بر روند تولید و توزیع، در شرایط بحرانی، امری ضروری است (یوسف/۴۷ و ۴۸؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۱۸).

۱۳. امید دادن مردم به آینده برای مقابله با مشکلات اقتصادی کنونی حضرت یوسف (ع) پس از خبر دادن از وقوع هفت سال خشکسالی، خبر از وقوع سالی می‌دهند که در آن باران فراوان خواهد بارید و محصولات کشاورزی عصاره میوه می‌دهند (یوسف/۴۹). بنابراین شاید از این آیه چنین برداشت شود که باید مردم را به آینده امیدوار کنیم تا بتوانند سختی‌ها را تحمل کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۲۰).

۱۴. اوصاف کارگزاران شایسته حکومتی در زمینه اقتصادی: قدرت، امانت، پاسداری و تخصص دو صفتی که پادشاه برای حضرت یوسف به کار می‌برد «مکین» یعنی صاحب قدرت و «امانتدار» است که کارگزار شایسته حکومتی باید واجد این صفات باشد؛ بنابراین قدرت داشتن و امین بودن کنار هم ارزشمندند، زیرا اگر امین باشد ولی امکانات نداشته باشد، قدرت انجام کاری را ندارد و اگر مکین باشد اما امین نباشد، بیت‌المال را حیف و میل می‌کند. همچنین حضرت یوسف (ع) برای پیشنهاد خزانه‌داری مصر به پادشاه، درخواست خود را چنین تعلیل کردند که «من حفیظ و علیم هستم»؛ زیرا این دو صفت از صفاتی است که متصدی آن مقامی که وی درخواستش را کرده بود، لازم دارد و بدون آن دو صفت نمی‌تواند چنان مقامی را تصدی کند (یوسف/۵۵ و ۵۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۲۷۵).

۱۵. محبوبیت و مقبولیت علاوه بر تدبیر و کاردانی، از صفات شایسته کارگزاران حکومتی برای تصدی پست‌های مهم و کلیدی علاوه بر تدبیر و کاردانی، محبوبیت و مقبولیت نیز بسیار مهم است؛ زیرا یوسف بر اثر عفت، تدبیر، تعبیر خواب و بزرگواری، محبوبیت خاصی پیدا کرد؛ بنابراین، عزیز مصر گفت او برای خودم باشد (یوسف/۵۴؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۲۸).

مقابله با آسیب‌پذیری اقتصادی قوم شعیب بر اثر فساد اقتصادی و جلوگیری از بحران اقتصادی ناشی از آن

یکی دیگر از مصادیق دفاع و پدافند اقتصادی، مقابله حضرت شعیب (ع) با آسیب‌پذیری اقتصادی درونی اهل مدین است. اهل مدین بت‌پرست بودند و بیماری کم‌فروشی بین آنان شایع و فسادهای دیگری نیز میان‌شان رایج شده بود. حضرت شعیب (ع) بعد از دعوت کلی خود به تقوا و اطاعت فرمان خدا، در بخش دوم از تعلیماتش روی انحرافات اخلاقی و اجتماعی آن محیط انگشت گذاشت و آن را به نقد کشید و از آنجا که مهم‌ترین انحراف این قوم مرفه، نابسامانی‌های اقتصادی و ظلم فاحش و حق‌کشی و استثمار بود، بیش از همه روی این مسائل تکیه کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۳۳۲). در این قسمت ابتدا به ماهیت عوامل فساد اقتصادی اهل مدین می‌پردازیم و سپس به ابعاد آن و آثاری که می‌تواند بر اختلال در امر معیشت و ایجاد بحران اقتصادی در جامعه داشته باشد، اشاره خواهد شد.

قرائن نشان می‌دهد که اهل مدین زندگی مرفه و ثروت فراوان داشتند و شاید به همین دلیل غرق غرور و غفلت بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۴۸). از سوی دیگر قوم شعیب در یک منطقه حساس تجاری سر راه کاروان‌هایی که از حجاز به شام و از شام به حجاز و مناطق دیگر رفت و آمد می‌کردند، قرار داشتند. این قافله‌ها بین راه، نیازهای فراوانی پیدا می‌کردند که گاهی مردم شهرهایی که در مسیر قرار داشتند، از این نیازها حداکثر سوءاستفاده را می‌کردند و به علت رواج مبادله تهاتری میان آنها، اجناس آنها را به کمترین قیمت می‌خریدند و اجناس خود را به گران‌ترین قیمت می‌فروختند و گاه بر اجناسی که می‌خریدند هزار عیب می‌گذاشتند و جنسی را که در مقابل آن می‌فروختند، صد گونه تعریف می‌کردند و هنگام وزن و پیمانه جنس خود را دقیقاً می‌سنجیدند و گاه کم‌فروشی می‌کردند، ولی جنس دیگران را با بی‌اعتنایی وزن می‌کردند و گاهی بیشتر از



مقدار لازم برمی داشتند و چون طرف مقابل نیازمند بود، به ناچار به تمام این مسائل تن در می داد. همچنین اهالی ضعیف تر و کم درآمد تر خود منطقه مجبور بودند جنس خود را با سرمایه داران معامله کنند و قیمت متاع- اعم از جنسی را که می خریدند و جنسی را که می فروختند- به میل آن ثروتمندان تعیین می شد و پیمانہ و وزن نیز، در هر حال در اختیار آنها بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۳۳۴).

۱. مقابله حضرت شعیب با فساد اقتصادی اهل مدین

به دلیل رواج این پدیده، آیات مختلفی از قرآن کریم به نهدی و مقابله حضرت شعیب (ع) با این انحراف اقتصادی می پردازد. در آیات سوره مبارکه شعراء، نخست می فرماید: «حق پیمانہ را ادا کنید و مردم را به خسارت و زیان میفکنید و با ترازوی مستقیم و صحیح، وزن کنید.» سپس می فرماید: «حق مردم را کم نگذارید و بر اشیا و اجناس مردم عیب ننهید» و در نهایت می فرماید: «روی زمین فساد مکنید» (شعراء/۱۸۱-۱۸۳).

همچنین در سوره مبارکه هود آیه ۸۵، حضرت شعیب بار اول با نهدی از نقص کیل و وزن، قوم خود را به سوی صلاح دعوت کرد و در نوبت دوم به ایفای کیل و وزن امر کرد و از بخش مردم و ناتمام دادن حق آنان نهدی نمود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۵۴۸). در سوره مبارکه اعراف آیه ۸۵ حضرت شعیب پس از دعوت به توحید که اصل و پایه دین است، به وفای به کیل و میزان و اجتناب از کم فروشی که در آن روز متداول بوده دعوت نموده و سپس آنان را دعوت به این معنا کرده که در زمین فساد نکنند و برخلاف فطرت بشری- که همواره انسان را به اصلاح دنیای خود و تنظیم امر حیات دعوت می کند- راه نروند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۲۳۷).

۲. ابعاد و آثار فساد اقتصادی

پس از بررسی فساد اقتصادی قوم حضرت شعیب، به ابعاد و آثاری که این فساد اقتصادی می تواند بر اختلال در امر معیشت اقتصادی مردم بگذارد، پرداخته می شود. یکی از آثار این فساد اقتصادی این است که نفوذ هر گونه خیانت و تقلب در امر معاملات، پایه های اطمینان و اعتماد عمومی را که بزرگ ترین پشتوانه اقتصادی ملت هاست متزلزل و ویران می سازد و ضایعات جبران ناپذیری برای جامعه به بار می آورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۵۱).

علامه طباطبایی ذیل تفسیر آیه ۸۵ سوره هود، در توضیح جمله «وَلَا تَتَّبِعُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» و اینکه چگونه کم‌فروشی و خیانت در معامله موجب ایجاد بحران اقتصادی و اختلال در امر معیشت می‌شود، این‌گونه توضیح می‌دهند: اجتماع مدنی که بین افراد نوع انسانی تشکیل می‌شود، اساسش حقیقتاً بر مبادله و دادوستد است. بنابراین ناچار افراد مجتمع در شؤون زندگی خود تعاون دارند که ما این را معامله و مبادله می‌گوییم و از روشن‌ترین مصادیق این مبادله، معاملات مالی است، به خصوص معاملاتی که در کالاهای دارای وزن و حجم صورت می‌گیرد و به وسیله ترازو و قپان سنجش می‌شود. بنابراین معاملات مالی و مخصوصاً خرید و فروش، از ارکان حیات انسان اجتماعی است. آنچه را که یک انسان در زندگی‌اش احتیاج ضروری دارد و آنچه را هم که باید در مقابل به عنوان بها بپردازد، با کیل یا وزن اندازه‌گیری می‌کند و زندگی خود را بر اساس این اندازه‌گیری و این تدبیر اداره می‌کند. بنابراین اگر در معامله‌ای از راه نقص مکیال و میزان به او خیانتی شود که خودش ملتفت نگردد، تدبیر او در زندگی‌اش تباه و تقدیر و اندازه‌گیری‌اش باطل می‌شود و با این خیانت، نظام معیشت او از دو جهت مختل می‌گردد: یکی از جهت آن کالایی که می‌خرد و لازمه زندگی‌اش را تأمین می‌کند و دیگری از جهت آنچه به عنوان بها می‌پردازد. در جهت اول احتیاجش آن‌طور که باید برآورده نمی‌شود و در جهت دوم پولی بیشتر از آنچه گرفته است می‌پردازد. پول زایدی که در به دست آوردنش تلاش‌ها کرده و خود را خسته نموده است؛ در نتیجه دیگر نمی‌تواند به اصابه و درستی نظر و حسن تدبیر خود اعتماد کند و در مسیر زندگی دچار خبط و سرگیجه می‌شود و این خود فساد است. حال اگر این فساد از یک نفر و دو نفر تجاوز کند و در کل افراد شیوع یابد، فساد در مجتمع شیوع می‌یابد و چیزی نمی‌گذرد که وثوق و اعتماد به یکدیگر را از دست می‌دهند، امنیت عمومی از آن جامعه رخت بر می‌بندد و این خود نکبتی است عمومی که صالح و طالح (غیرصالح) و کم‌فروش و غیر کم‌فروش به یک جور دامن‌گیر می‌شود و اجتماع‌شان بر اساس نیرنگ و افساد حیات اداره می‌شود نه بر اساس تعاون برای تحصیل سعادت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۵۴۳-۵۴۴). اما در مقابل این آثار فساد اقتصادی، اگر تعالیم حضرت شعیب (ع) در مراعات وفا و عدالت در کیل و وزن رعایت شود، موجب ایجاد رشد و استقامت در تقدیر معیشت می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۱۲۵).



راهبردهای حضرت شعیب در مقابله با فساد اقتصادی و پیشگیری از ایجاد بحران اقتصادی پس از بررسی ابعاد مختلف جریان و راهبردهایی که حضرت شعیب (ع) در مقابله با فساد اقتصادی قوم خویش و پیشگیری از بحران اقتصادی به کار بردند، جدول ۳ که حاصل بررسی آرای تفسیری مفسران مختلف در این زمینه است، برخی راهبردهای حضرت شعیب را در مقابله با این فساد اقتصادی نشان می‌دهد. روشن است که ابزارها و ابعاد دیگری نیز در مواجهه با موقعیت فساد اقتصادی وجود دارد که نیازمند اتکا به جایگاه حکومت است و به سبب اینکه حضرت شعیب قدرت ناشی از حکومت را در دست نداشت، نمی‌توانست از آن دست ابزارها بهره ببرد. در این خصوص، سیره حکومتی حضرت رسول و حضرت امیر (علیهما السلام) می‌تواند به عنوان مکمل مورد استفاده قرار گیرد.

جدول ۳- راهبردهای دفاع اقتصادی در مقابله با فساد اقتصادی منجر به بحران قوم حضرت شعیب (ع)

منابع (قرآنی و تفسیری)	مفهوم برداشت‌شده
اعراف/۸۵؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۳: ۱۱۳	تذکر نسبت به انحراف اقتصادی مردم
اعراف/۸۵؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۳: ۱۱۳	تذکر نسبت به ابعاد مختلف کم‌فروشی نظیر تقلب در معامله، کم‌ارزش جلوه دادن اجناس مردم و فساد اقتصادی
اعراف/۸۵؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۳: ۱۱۳؛ هود/۸۵؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۰۷	تذکر نسبت به کم‌کاری نکردن در همه امور از جمله کم‌فروشی و کم‌کاری
اعراف/۸۶؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۳: ۱۱۴	تذکر به نعمت‌های خداوند، از جمله نعمت فزونی جمعیت
اعراف/۸۶؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۳: ۱۱۴	یادآوری سرگذشت مفسدان در امت‌های گذشته
اعراف/۸۶؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۳: ۱۱۵	لزوم صبر و شکیبایی و عجله نکردن برای کیفر مفسدان اقتصادی
اعراف/۹۰؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۳: ۱۱۹	مقابله با شیوه مفسدان اقتصادی برای بازداشتن از تعالیم انبیا (تهدید مادی و اقتصادی مردم از طریق خسارت نشان دادن محرومیت از درآمدهای حاصل از کم‌فروشی)
اعراف/۹۲؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۳: ۱۲۰	تذکر نسبت به زیان‌کار حقیقی بودن مفسدان اقتصادی
اعراف/۹۲؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۳: ۱۲۰	انذار و هشدار مفسدین اقتصادی به عذاب روز قیامت
هود/۸۵؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۰۷	تذکر و پیگیری مداوم برای ریشه‌کن کردن مفاسد اقتصادی عاداتی در جامعه
هود/۸۵؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۰۷	نظارت و کنترل بر داد و ستدها و امور اقتصادی
هود/۸۵؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۰۸-۱۰۹	تذکر نسبت به آثار خیر عدم کم‌فروشی: سود بیشتر باقی‌مانده دنیوی و اخروی
هود/۸۵؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۰۹	عدم جواز آزادی در هر نوع مصرف در اموال (وجود قانون کنترل بر مصرف)
هود/۸۸؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۱۱	تذکر به رزاقیت خداوند و روزی‌رسانی از طرف ایشان
هود/۸۸؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۱۱-۱۱۲	تذکر به صفات امر به معروف و ناهی از منکر اقتصادی (هدف اصلاح انسان و جامعه بشری، تلاش در حد استطاعت نه رفع تکلیف، ایمان به توفیق و موفقیت از خداوند، توکل به خداوند، عامل به امر و نهی بودن)



هود/۸۹؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۱۲-۱۱۳	انذار نسبت به عذاب اقوام گذشته به خصوص نزدیک‌ترین اقوام به لحاظ زمانی و مکانی
هود/۸۹؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۱۳	نشان دادن راه و میل بازگشت، استغفار و اصلاح به مخالفان، با نشان دادن رحمت و مهربانی خداوند
هود/۹۲-۹۳؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۱۴-۱۱۶	تهدید مفسدین اقتصادی نسبت به سرنوشت آنها در صورت تداوم و نیز تهدید متقابل
شعراء/۱۸۲-۱۸۳؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۶: ۳۶۵-۳۶۶	لزوم عادلانه بودن میزان سنجش در امور اقتصادی
شعراء/۱۸۴؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۶: ۳۶۷-۳۶۶	توجه به تقوا نسبت به آفریدگار، مانع فساد اقتصادی
شعراء/۱۸۴؛ تفسیر نور، ۱۳۸۳، ج ۶: ۳۶۷	لزوم توجه به مطیع بودن نسبت به خداوند، نه نسبت به آداب و رسوم فاسد نیاکان
شعراء/۱۸۴؛ تفسیر نمونه، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۳۳۶	تذکر نسبت به فطری بودن ترک ظلم و فساد و ادای حقوق مردم و رعایت عدالت
اعراف/۸۵؛ تفسیر المیزان، ۱۳۷۴، ج ۸: ۲۳۷	تذکر نسبت به آثار خیر وفا به کیل و برهم زدن نظم جامعه برای خود شخص
اسراء/۳۵؛ تفسیر المیزان، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۱۲۵	توجه به حفظ قوام معیشت مردم با کم‌فروشی نکردن

با توجه به گویایی نسبی راهبردهای جدول ۳، برای پرهیز از اطاله کلام از توضیح آنها خودداری می‌شود.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

یکی از نیازهای اصلی و همیشگی جامعه اسلامی، آمادگی برای دفاع در مقابل تهدیدهای خارجی و آسیب‌پذیری داخلی است. دین اسلام که برنامه‌ای برای اداره زندگی است، نمی‌تواند به این نیاز بی‌اعتنا باشد، زیرا تهدید اقتصادی پدیده نوظهوری نیست و پیامبران الهی در طول تاریخ با انواع مختلفی از تهدیدهای داخلی و خارجی از سنخ اقتصادی مواجه بوده‌اند و در مقابله با آنها، با استناد به الهام و وحی الهی مقابله کرده‌اند. از جمله آنها می‌توان به سیره پیامبر اکرم(ص) در مقابله با تهدید نظامی-اقتصادی احزاب، سیره حضرت یوسف(ع) در مقابله و تسهیل مدیریت بحران اقتصادی خشکسالی و نیز سیره حضرت شعیب(ع) در مقابله با آسیب‌پذیری اقتصادی و فساد اقتصادی قوم خویش و جلوگیری از بحران اقتصادی ناشی از آن اشاره کرد.

مسئله تهدیدهای اقتصادی همواره یک ماهیت ندارد؛ گاه یک ابتلای اولیه و آزمون است که بر جامعه واقع می‌شود؛ به این معنا که خداوند از جهت حکمت ابتلای خود موجبات فقر یا نقص اموال را پدید می‌آورد (بقره/۱۵۵) و گاه به حکم عدالت است



و جزای تقصیرها و معاصی جامعه خود را در قالب کاستی‌ها و تهدیدهای اقتصادی مانند فقر و فساد نشان می‌دهد. در یک موضع فقر را نتیجه بهره‌برداری کفورانه از اموال معرفی می‌کند و آن را پیامد عمل مردمان می‌داند: «بماکانوا یصنعون» (نحل/۱۱۲) و در موضع دیگر ظهور فساد را نتیجه پاره‌ای از اعمال و دستاورد خود جامعه می‌شمارد: «بما کسبت ایدی الناس» (روم/۴۱). باید میان این دو گونه تهدید اقتصادی تمایز قائل شد. در نوع نخست گرچه وقوع تهدید اقتصادی تا حدی برون‌زا و خارج از انتخاب ماست، می‌توان استراتژی پیشینه‌آمادگی را پیش گرفت و با تمهیداتی، قدرت واکنش به آن تهدیدها را به بالاترین سطح رساند. در نوع دوم اساس وقوع تهدید اقتصادی درون‌زا و ثمره مناسبات داخلی اقتصاد است که نیازمند استراتژی پیش‌دستانه و علاج قبل از وقوع است. در خصوص آنچه در این مقاله بیان شد، تهدید اقتصادی عصر حضرت یوسف از نوع اول و تهدید اقتصادی عصر حضرت شعیب از نوع دوم محسوب می‌شود.

بدین ترتیب می‌توان میان دو دسته از راهبردها تمایز قائل شد: راهبردهای آمادگی و راهبردهای درمان و پیشگیری. چنان‌که از مقایسه جدول‌های بخش ۳ و ۴ و ۵ مقاله استفاده می‌شود، محتوای جدول‌ها تا حد زیادی بر عناصر فرهنگ‌ساز، بینش‌آفرین و تذکری اتکا دارد، اما جدول ۳ بیشتر حاوی عوامل کنترلی و بازدارنده و نظارتی است و جدول‌های ۱ و ۲ بیشتر شامل عناصر ایجابی و مدیریتی و سازمان‌دهنده. این محتوا بازتابی از جنس راهبردهای مورد نیاز در مواجهه با بحران‌های ناشی از فساد و نابسامانی‌های داخلی (نیازمند درمان و پیشگیری) و بحران‌های ناشی از عوامل برون‌زا و خارجی (نیازمند راهبرد آمادگی) است.

در مجموع با توجه به راهبردهای دفاع اقتصادی در سیره پیامبران الهی، پیشنهاد این مقاله آن است که در تدوین سیاست‌های دفاع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از دسته‌بندی جدول زیر به عنوان منطق صوری استفاده شود و در خط‌مشی‌گذاری محتوایی نیز پیشنهاد می‌شود از سه تجربه قرآنی مذکور در این مقاله در خصوص هر یک از سه گونه دفاع اقتصادی بهره‌گیری شود:

جدول ۴- راهبردهای دفاع اقتصادی در قصص پیامبران الهی

راهبردهای اقتصادی	راهبردهای ایجابی (سازمان‌دهنده)	راهبردهای سلبی (کنترل و بازدارنده)	
<p>توجه به اوصاف کارگزاران شایسته حکومتی: قدرت، امانت، پاسداری و تخصص، محبوبیت و مقبولیت</p> <p>امید دادن مردم به آینده برای مقابله با مشکلات اقتصادی کنونی</p>	<p>فعالیت مستمر و همراه با جدیت و کوشش در امور اقتصادی</p> <p>مشورت‌گیری از افراد صالح و کاردان</p> <p>در نظر گرفتن آینده و نسل‌های پیش رو در استفاده از منابع اقتصادی</p> <p>تبدیل کردن بحران اقتصادی به فرصت تعدیل فاصله طبقاتی و برقراری عدالت اقتصادی در جامعه</p> <p>حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت تولیدی هنگام مناسب بودن شرایط اقتصادی</p>	<p>پیش‌بینی و طرح‌ریزی برنامه‌های درازمدت و کوتاه‌مدت برای مقابله با بحران‌های اقتصادی از جمله ذخیره‌سازی کالاهای اساسی و راهبردی</p> <p>کنترل حکومت بر تولید، توزیع و مصرف محصولات کشاورزی و راهبردی</p> <p>صرفه‌جویی و جیره‌بندی محصولات کشاورزی</p>	<p>دفاع اقتصادی در برابر تهدیدهای طبیعی</p>
<p>ارتقای انگیزه و روحیه کار و تلاش و جهاد در راه خدا</p> <p>انذار و تیشیر</p> <p>دعا و طلب یاری از خداوند</p> <p>تاکید بر لزوم پیروی از فرمان‌های رهبری در مقابله با تهدید</p>	<p>تقسیم‌کار</p> <p>استفاده از ابزارهای دیگران</p> <p>استفاده از ابزار تبلیغاتی و اقتصادی برای تفرقه‌افکنی میان دشمنان و شکستن اتحاد آنها</p>	<p>پیش‌بینی تهدید و پیشگیری از آن</p> <p>مشورت و تصمیم‌گیری جمعی</p> <p>اینتکار و نوآوری در تصمیم‌گیری</p> <p>ممانعت از عوامل تفرقه‌افکن و حفظ انسجام داخلی</p> <p>کاهش توان دشمن برای تداوم تهدید</p> <p>رصد و مراقبت از نقاط آسیب‌پذیر داخلی</p>	<p>دفاع اقتصادی در برابر تهدیدهای خارجی (از بیرون مرزها)</p>

بر اساس مختصات کنونی اقتصاد ایران، هر سه جنس تهدیدهای یادشده برای کشور محتمل و تهدیدکننده‌اند: بحران آب در مناطق متعددی از کشورهای اقتصادی و اجتماعی آن نمونه‌ای از تهدیدهای طبیعی محتمل است. همچنین خطر ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و آسیب ناشی از وابستگی دولت به ارزهای نفتی یا گسترش مفاسد اقتصادی مصادیق دیگری از تهدیدهای خارجی و تهدیدهای داخلی به شمار می‌روند. در تمام این موارد، محتوای مذکور در جدول ۴ می‌تواند نکات درس‌آموزی برای سیاست‌گذاری در حوزه دفاع اقتصادی ارائه کند. در این راستا راهبردهای فرهنگ‌سازی اقتصادی می‌تواند توسط دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگ‌ساز کشور نظیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و... دنبال شود و راهبردهای سلبی و ایجابی نیز توسط دستگاه‌های اجرایی کشور برای مقابله با انواع تهدیدهای اقتصادی پیاده شود.



منابع فارسی

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- ابن اثیر، عزالدین علی بن اثیر کامل (۱۳۷۱)، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن هشام (۱۳۷۵)، زندگانی محمد(ص) پیامبر اسلام، ترجمه سید هاشم رسولی، چ ۵، تهران: کتابچی.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۹۲)، سیرت محمد رسول الله (از تبارشناسی تا هجرت)، ترجمه مسعود انصاری، تهران: انتشارات مولی.
- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، چ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱۳۶۱)، دلائل النبوه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، دو جلد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پورفر، نقی (۱۳۷۱)، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن: زمینه‌ها، کلیدها، اصول، شیوه‌ها، مراحل، نمونه‌ها، تهران: اسوه.
- دروس تفسیر آیت الله جوادی آملی در سایت: www.portal.esra.ir
- دیباجی، سیدمحمد علی (۱۳۸۷)، پیامبران دولت‌مرد: پژوهشی درباره مدل‌های حکومت دینی در قرآن، تهران: نگاران شهر.
- سند راهبردی پدافند اقتصادی کشور، ۱۳۹۲-۱۳۹۶.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه (للصیحی صالح)، چ اول، قم: هجرت.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق رضا ستوده، چ اول، تهران: انتشارات فراهانی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰)، اعلام الوری: زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ترجمه عزیزالله عطاردی، چ اول، تهران: اسلامیه.
- علامه مجلسی (۱۳۶۳ش)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چ ۲، تهران: اسلامیه.
- علامه مجلسی (۱۳۹۰)، زندگانی پیامبر (ص)، ترجمه سید محمد هادی گرامی، چ اول، چ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹)، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و آل، اول، قم: دلیل ما.
- کاتب واقدی، محمد بن سعد (۱۳۷۴)، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- کتانی، عبدالحی (۱۳۸۴)، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراقرزلو، اول، قم: سمت.
- کتانی، عبدالحی (بی‌تا)، نظام الحکومه النبویه، دوم، بیروت: دار الأرقم بن ابی الأرقم.
- لطیفی، میثم (۱۳۹۰)، «روش‌شناسی راهبردهای تدبیر در قرآن کریم: استقرایی از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای مدیریت اسلامی در دهه اخیر»، اندیشه مدیریت راهبردی.
- محمدی سیرت، حسین (۱۳۹۱)، «مدیریت بحران در قرآن کریم: بررسی سیره نبوی(ص) در نبرد احزاب»، ره‌آورد سیاسی، بهار ۱۳۹۱، س ۹، ش ۳۵.
- محمدی سیرت، حسین (۱۳۹۱)، اصول مدیریت بحران در قرآن کریم، چ اول، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- مرتضی‌العاملی، جعفر (۱۳۸۴)، سیرت جاودانه، ترجمه محمد سپهری، اول، قاهره: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مرتضی‌العاملی، جعفر (۱۴۲۶ق)، الصحیح من سیره النبی الأعظم، اول، قم: دار الحدیث.
- مرتضی‌عاملی، سید جعفر (۱۳۹۱)، الصحیح من السیره النبی الاعظم، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، اول، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹)، مغازی، تاریخ جنگ‌های پیامبر(ص)، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

